

Typology of dimensions and identification of women's gender socialization model in Bandar Abbas¹

Mahboubeh Mehrabi²

Received: 12 Jun 2020

Nowruz Hashem Zehi³

Reception: 19 Aug 2020

Mahnaz Ronaghi Notash⁴

The study aimed to identify the dimensions of women's gender socialization and to provide a model for it among 400 women in Bandar Abbas. Data Collection tools included a researcher-made questionnaire and structured interview. Formal and content validity was reviewed and confirmed by reviewing the literature and judging of experts and its structural validity through exploratory factor analysis and Cronbach alpha in SPSS24 and the model obtained using confirmatory factor analysis in Lisre110. The results indicate that the three main dimensions of "family gender values" are with the components of "family, marriage, divorce, childbearing", "gender inequality" with the components of "social division of labor, cultural inequality, individual inequality" and "power relations in the family" with the components of "division of labor at home, decision making at home" and overall, 60/571 of the total variance of gender sociability is explained by these 9 components. The obtained variances are in the components of family, 8/282 percentage, decision making, 8/107percentage, individual inequality, 7/699 percentage, divorce, 7/452 percentage, division of social work, 7/255 percentage, division of labor, 6/641 percentage, marriage, 5/245 percentage, cultural inequality, 5/002 percentage and in component of childbearing, 4/688 percentage, respectively.

Keywords: Gender Socialization, Power Relations, Gender Inequality, Gender Values.

1. This Paper is derived from the author's Ph.D thesis.

2. Ph.D. Student in Department of Social Science, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of Department of Social Science, East Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). no_hashemzehi@yahoo.com

4. Assistant Professor of Department of Communication Science, Central Tehran Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

گونه‌شناسی ابعاد و شناسایی مدل جامعه‌پذیری جنسیتی زنان در بندرعباس

محبوبه مهرابی^۱ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۳
 نورو هاشم زهی^۲ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۹
 مهناز رونقی نوتاش^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی ابعاد جامعه‌پذیری جنسیتی زنان و ارائه مدلی برای آن در بین ۴۰۰ نفر از زنان شهر بندرعباس انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه ساختمند استفاده شده است. روایی صوری و محتوایی از طریق مرور ادبیات و قضاوت خبرگان و روایی سازه‌ای آن از طریق تحلیل عامل اکتشافی و آلفای کرونباخ در spss ۲۴ و مدل به‌دست‌آمده با استفاده از تحلیل عامل تأییدی در Lisrel ۱۰، بررسی و تأیید شد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که سه بعد اصلی «ارزش‌های جنسیتی خانوادگی»، «تقسیم کار اجتماعی، نابرابری فرهنگی، نابرابری فردی» و «روابط قدرت در خانواده» با مؤلفه‌های «تقسیم کار در منزل، تصمیم‌گیری در منزل» می‌باشد و در مجموع، ۶۰/۵۷۱ درصد از کل واریانس جامعه‌پذیری جنسیتی، توسط این «۹» مؤلفه تبیین می‌شود. واریانس به‌دست‌آمده به ترتیب، در مؤلفه‌های خانواده، ۸/۲۸۲ درصد، تصمیم‌گیری، ۸/۱۰۷ درصد، نابرابری فردی، ۷/۶۹۹ درصد، طلاق، ۷/۴۵۲ درصد، تقسیم کار اجتماعی، ۷/۲۵۵ درصد، تقسیم کار، ۶/۶۴۱ درصد، ازدواج، ۵/۲۴۵ درصد، نابرابری فرهنگی، ۵/۰۰۲ درصد و در مؤلفه فرزندآوری،

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم اجتماعی واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 ۲. استادیار گروه علوم اجتماعی واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
 no_hashmezehi@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم ارتباطات واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
 - این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

۴/۶۸۸ درصد می باشد.

واژگان کلیدی: جامعه‌پذیری جنسیتی، روابط قدرت، نابرابری جنسیتی، ارزش‌های جنسیتی.

مقدمه

فرایند مدرنیته که همراه با آمیزش باورها و ارزش‌های سنتی با ارزش‌ها و باورهای مدرن است، چالش‌های بنیادینی را در فرایند جامعه‌پذیری، ایجاد می‌کند؛ زیرا بنیان‌ها و ارزش‌های مدرنی که برخاسته از دیدگاه‌های اندیشمندان دوران روشنگری و انگاره‌های فکری غرب است و امروزه سازه‌های بنیادی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ و تمدن نو شمرده می‌شود، با اغلب ارزش‌های سنتی کنونی جوامع در حال گذار، سازگاری ندارد (اسحاقی، ۱۳۹۱: ۹۸)؛ بنابراین، گذر از جامعه سنتی به مدرن که مستلزم تحولاتی در ساختارهای کهن جوامع است، عقاید و نگرش‌های متفاوتی را نسبت به گذشته ایجاد می‌کند و این امر به بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی زنان و مردان منتهی می‌شود. از مهم‌ترین پیامدهای این فرایند، پرسش‌برانگیز شدن ساختارها و ارزش‌هایی است که تبعیض و نابرابری جنسیتی بین زنان و مردان را بدیهی می‌شمارد. نابرابری‌هایی که روزگاری ذاتی و طبیعی تلقی می‌شد، پایگاه خود را در ذهن و فکر زنان از دست داده و مشروعیت آن حتی در دورافتاده‌ترین نقاط، در حال فروریختن است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۶). جامعه امروز ما نیز، در راستای دگرگونی‌ها و تحولات سریع و عمیقی که تجربه می‌کند، در فرآیند شکل‌گیری الگوهای جدید گام برداشته است و برای نشان دادن این الگوها، لازم است به تغییر معناها و شکل‌گیری انواع جدیدی از آن‌که زندگی و اعمال افراد را سازماندهی می‌کند و در فرآیند جامعه‌پذیری درونی شده و به نسل بعد منتقل می‌شود، توجه کرد (اسحاقی، ۱۳۹۱: ۹۸). معناها و الگوهای درونی شده در فرد را جامعه‌پذیری جنسیتی وی مشخص می‌کند (کوئن، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

از آنجاکه عمل آدمی بر مبنای شناخت، گرایش و اراده وی شکل می‌گیرد، جامعه‌پذیری جنسیتی، به معنای این است که مبانی شناختی، گرایشی (احساسی) و ارادی منطبق با جامعه‌پذیری جنسیتی در درون فرد فراهم شده است و احتمالاً فرد متناسب با آن عمل می‌کند. بر این اساس، ارزش‌های درونی شده در یک فرد، گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های ذهنی وی را نشان می‌دهد، بنابراین به نظر می‌رسد، نوع ارزش‌های درونی شده مرتبط با خانواده، اعم از ارزش‌های مربوط به تشکیل خانواده و ازدواج، طلاق، فرزندآوری و ... که عرصه‌های بروز و ظهور جنسیت در خانواده است و در فرایند جامعه‌پذیری جنسیتی در فرد درونی می‌شود، جزء گرایشی جامعه‌پذیری جنسیتی است.

همچنین، جنسیت به عنوان نظامی از عادات اجتماعی درک می‌شود که مردم را به گونه‌ای متفاوت شکل می‌دهد و روابط نابرابری را سازماندهی می‌کند؛ این عادات، علاوه بر عمل در سطح فردی، روابط اجتماعی و الگوهای کنش متقابل را هم شکل داده و در سازمان‌ها و نهادها، به کار گرفته می‌شود (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۶۳)؛ بنابراین، نظام جنسیتی، شامل دو فرآیند ایجاد تمایزات و نابرابری‌های ناشی از این تمایزات در خانواده، جامعه و نهادها است (همان: ۱۹۹). نابرابری جنسیتی، به عنوان یک واقعیت اجتماعی در برهه‌های مختلفی از تاریخ بشری وجود داشته است و هرگونه رفتار، زبان، سیاست و یا سایر کنش‌هایی که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه‌شده اعضاء جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست باشد، معنای نابرابری جنسیتی می‌دهد (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶: ۶۰). جنسیت نیز برای نخستین بار، با مفهوم کیفیت تمایزهای اجتماعی میان دو جنس و توسط طرفداران جنبش زنان در آمریکا، بکار برده شد (ساروخانی و محمودی، ۱۳۸۷: ۴۸).

بررسی چگونگی عملکرد نیروهایی که در سطح فردی، کنش متقابل و نهادی، جهان تفکیک‌شده جنسیتی را تولید می‌کنند، موضوع تمایزات جنسیتی است که با نابرابری جنسیتی، پیوند ناگسستنی دارد؛ این موضوع را می‌توان به وسیله شایستگی اجتماعی بیشتر همه چیزهای مردانه نسبت به زنانه بیان کرد. نابرابری جنسیتی، در همه سطوح دنیای اجتماعی، مشهود است؛ در سطح فردی هدف از نابرابری جنسیتی، مستند کردن نظام‌مند تفاوت بین زن و مرد است که نظریه‌پردازان این حوزه، حداقل برخی از این تفاوت‌ها را دارای زمینه زیست‌شناختی یا ژنتیکی می‌دانند و همچنین به صفات و ویژگی‌های مرتبط با مردان و مردانگی و ارزش اجتماعی بیشتر از زنان و آنچه مربوط به زنانگی است، پرداخته می‌شود. تولید تفاوت‌ها، شامل ایجاد سلسله‌مراتب جنسیتی می‌شود که حتی در سطح سازمان‌ها و نهادها، ارزش، منزلت و منابع، به‌طور متمایزی بر اساس جنسیت واگذار می‌شود (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۱۹۹). بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناختی معتقدند، افزون بر عوامل ساختاری، عوامل ذهنی و شناختی نیز تأثیر زیادی بر نابرابری جنسیتی دارد. در این راستا، پذیرش ایدئولوژی و عقاید قالبی جنسیتی، زمینه را برای بازتولید نابرابری در فضای خانواده فراهم می‌کند (نبوی و احمدی، ۱۳۸۶: ۵۹).

به اعتقاد بوردیو، نظم اجتماعی جنسیتی در جوامع مدرن، به واسطه عمل افراد بر پایه

باورهای فردی شکل گرفته توسط ساختارهای عینی اجتماعی، تقویت می‌شود (حجازی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). بدین معنا که تمایزات جنسیتی و نابرابری‌های ایجادشده در یک سطح از دنیای اجتماعی، اغلب به وسیله فرآیندهای اجتماعی که در سطوح دیگر عمل می‌کنند، تقویت می‌شود (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۲۰۰). بخش مهمی از جامعه‌پذیری از طریق یادگیری نقش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۲۱۲). نقش‌های اجتماعی و شیوه‌های رفتاری که تمدن‌ها در فرایند تقسیم کار اجتماعی، به زنان محول کرده‌اند، آن‌ها را نسبت به مردان در موقعیت فرودست‌تری نگه داشته است و در همه اشکال سازمان‌دهی اجتماعی تحت ستم بوده‌اند. آزادی زنان وابسته به رهنمایدن آن‌ها از این ساخت اجتماعی «مؤنث ابدی» است که باعث نزول آن‌ها به مرتبه اجتماعی و اقتصادی حقارت باری شده است (فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۶). نگرش سنتی، نابرابری‌های جنسیتی را طبیعی دانسته و آن را می‌پذیرد، ولی نگرش مدرن آن را ساختی- فرهنگی دانسته و بر لزوم تغییر آن تأکید می‌کند. به نظر می‌رسد، آگاهی و شناخت درونی شده فرد در مورد نابرابری‌های جنسیتی، جزء شناختی جامعه‌پذیری جنسیتی است.

همچنین، به عقیده اوکلی (۱۹۹۷)، مفهوم «جنسیت» فضایی برای شکل گرفتن تصویری از سلسله‌مراتب و روابط قدرت ایجاد کرد و به گفته دلفی (۱۹۹۷) امروزه هرچند مفهوم جنسیت، امکان تحلیلی از سلسله‌مراتب قدرت را فراهم آورده است، ولی توجه به جنسیت به عنوان «زنانگی» و «مردانگی» ممکن است بیشتر مفهوم تفاوت را برساند تا نابرابری در قدرت؛ بنابراین نباید از نابرابری‌های قدرت موجود بین زن و مرد غافل شد (فریدمن، ۱۳۸۱: ۳۰). یکی از مهم‌ترین عرصه‌های بروز روابط قدرت جنسیتی را می‌توان در خانواده مشاهده کرد. روابطی که بر اساس سلطه یک جنس بر دیگری و اعمال قدرت از سوی یکی از زوجین در خانواده بنا شده باشد، همراه با خشونت است. در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که از راه رفتارهای عینی اعضاء قابل مشاهده است و یکی از شاخص‌های عمده تعیین میزان قدرت زن و شوهر در روابط متقابلشان، الگوی مشارکت در تصمیم‌گیری است (مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲: ۷۲)؛ همچنین، تقسیم کار درون خانواده نیز شکلی از روابط قدرت بین زن و شوهر تلقی می‌شود (بخشی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۷) که زائیده جنسیت بوده و منجر به تولید جنسیت نیز می‌شود (سفیری و ایمانیان، ۱۳۸۸: ۱۱۰). مستحکم کردن زندگی اجتماعی

و هماهنگی و نظم بخشیدن به عمل، از پیامدهای عمل به نقش در زندگی اجتماعی است. عمل به نقش، با خشنودی روانی همراه است، درحالی که عدم ایفای درست نقش، می تواند باعث اختلافها، ناسازگاریها، کشمکشها و حتی دشمنیها در زندگی اجتماعی شود. نقشهای اکتسابی را فرد در طی زندگی اجتماعی خود انتخاب می کند و می تواند از پذیرش آنها انصراف دهد (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۳). نقشها مهم ترین عنصر روابط اجتماعی یک جامعه محسوب می شوند که در طول دوره های مختلف تاریخی، دچار تغییراتی شده اند. امروزه تغییر یا به هم ریختگی در تعریف و احراز نقش های جنسیتی، تمامی جنبه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه معاصر ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. در اغلب مطالعات دیده می شود که این مسئله را ناشی از گذار از نگرش های سنتی به ایستارهای نوین می دانند. به نظر می رسد، نگرش افراد نسبت به روابط قدرت در خانواده که در فرایند جامعه پذیری جنسیتی در فرد درونی می شود، جزء ارادی یا همان تمایل به عمل موجود در بروز و ظهور جنسیت در خانواده است.

مقاله حاضر قصد دارد، با بررسی تئوری های جامعه پذیری جنسیتی، نگاهی گسترده به این موضوع داشته باشد و در این راستا، به یافتن ابعاد و مؤلفه های مربوطه و ارائه مدلی متناسب با آن اقدام کند.

مبانی نظری

مفهوم جامعه پذیری جنسیتی

جامعه پذیری جنسیتی، به عنوان نوعی از جامعه پذیری، بدین معناست که چگونه دختران و پسران امتیازات و رفتارهای متناسب با جنسیت را که بر نگرش جنسیتی آنها اثر می گذارد، فرامی گیرند. با وجود تمام دگرگونی های گسترده نهادی و فرهنگی در عصر جدید، خانواده هنوز از قدرت بالایی در اجتماعی کردن کودکان برخوردار است. این قدرت در سطوح مختلف جامعه پذیری جنسیتی نمود بیشتری می یابد. چراکه خانواده با محدود کردن نقش های جنسیتی دختران نه تنها باعث پذیرش جنس دوم بودن دختران می شود، بلکه با محدود کردن خلاقیتها، عرصه ها و ابعاد زندگی، عملاً شکل گیری شخصیت دختران را مطابق با الگوهای مورد نظر طراحی می کند (گرت، ۱۳۸۰: ۷۸).

پارسونز در زمینه جامعه‌پذیری جنسیتی اذعان داشت که: «ایده تمایز نقش‌ها بین جنس‌های بیولوژیکی، بر پایه این واقعیت قرار دارد که تولیدمثل و پرستاری اولیه کودکان، به وجود آورنده تقدم قوی و محتمل از ارتباط مادر و کودک است و به نوبه خود، ایجاد این فرض که مردی که از چنین کارکردهای بیولوژیکی معاف و آزاد است، بایستی در جهت دیگری (مهارت شغلی) تخصص پیدا کند.» (امری، ۱۳۸۶: ۲۹)؛ اما به اعتقاد گیدنز «شاخص‌های خانواده‌های امروزی، یعنی نزدیکی، صمیمیت، عواطف و جنسیت، در حال دگرگونی‌اند». این دگرگونی‌ها در کشورهای غربی و صنعتی بسیار پیشروی کرده‌اند و به مرور در حال جهانی شدن هستند. فرایند جهانی شدن به نظر تا اندازه زیادی مقاومت‌ناپذیر و مثبت است؛ اما در روی دیگر سکه، با خود مشکلات عمیقی نیز به همراه می‌آورد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۵)؛ بنابراین، ضرورت تغییر ساختارها و ارزش‌های کهن و بازتعریف هویت انسانی زنان و مردان در گذار جوامع از وضعیت سنتی به مدرن نیازمند بررسی‌های جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و محققان این حوزه است.

نظریات جامعه‌پذیری جنسیتی

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، تئوری‌های جامعه‌پذیری جنسیتی در دو دسته تئوری‌های زیستی - طبیعی (نظریه‌های زیست‌شناختی (اپی ژنتیک)، زیستی - اجتماعی و تکامل) و تئوری‌های جامعه‌شناختی - انسان‌شناختی (جنسیت‌سازی، یادگیری اجتماعی، ویژگی‌های منزلتی، طرح‌واره، همانندسازی و برساخت‌گرایی) آمده و دیدگاه آن‌ها در رابطه با جنس و جنسیت و ابعاد مختلف آن و نتایج اجتماعی مترتب بر تمایز جنسیتی، متفاوت است؛ اما اغلب آن‌ها به نقش جامعه‌پذیری و کارگزاران آن اشاره می‌کنند و نحوه جامعه‌پذیری افراد را عاملی تأثیرگذار در پنداره فرد راجع به جنسیت می‌دانند و این تئوری‌ها در نهایت قضاوت خود را در زمینه متفاوت سازی جنسیتی ارائه می‌دهند. تئوری‌های جامعه‌پذیری جنسیتی به‌طور کلی، تمایزات جنسیتی را در سهم تصمیم‌گیری فرد و نحوه تقسیم کار در منزل (روابط قدرت در خانواده)، نابرابری‌های جنسیتی در عرصه‌های مختلف اجتماعی (نابرابری جنسیتی) و قواعد و ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با جنسیت (ارزش‌های جنسیتی) می‌بیند و جنسیت‌سازی را نشئت‌گرفته از عوامل و دلایل مختلف زیستی، اجتماعی، فرهنگی،

ساختاری و ... می‌دانند؛ بنابراین به نظر می‌رسد جهت پی بردن به نوع جامعه‌پذیری جنسیتی در یک فرد، لازم است احساس، ادراک و شناخت وی در رابطه با جنسیت و کاربرد آن در عرصه‌های مختلف و ابعاد مختلف بروز و ظهور آن را فهمید و تأثیرش بر دیگر عناصر نظام اجتماعی به ویژه خانواده که موضوع تمایز جنسیتی در آن، تعیین‌کننده بسیاری از مسائل دیگر است را در نظر گرفت.

در جدول شماره ۱ به خلاصه نظریات موجود در باب جامعه‌پذیری جنسیتی، پرداخته شده است:

جدول (۱) خلاصه نظریات مربوط به جامعه‌پذیری جنسیتی

نظریه	خلاصه
زیست‌شناختی (اپی ژنتیک)	بر اساس این تئوری، تفاوت‌های بیولوژیکی، نقش‌ها و روابط اجتماعی زن و مرد را تعیین می‌کند. در این راستا، زایمان و شیردهی و قدرت جسمانی کمتر، تعیین‌کننده نقش زنان در خانه و عدم توانایی‌شان جهت مشارکت در حوزه عمومی است؛ آن‌ها با تأیید مبنای بیولوژیکی سلطه جنس نر بر جنس ماده، سلسله‌مراتب اجتماعی و رقابت میان مردان را توجیه کرده و ریشه تمام وجوه نابرابری‌های جنسیتی را در نیروهای طبیعی می‌دانند.
زیستی - اجتماعی	مانی و ارهارت معتقدند، از یک‌سو، نیروهای زیستی به رشد پسرها و دخترها جهت داده و آن را محدود می‌سازند؛ از سوی دیگر، رشد زیستی اولیه که در تفاوت اندام‌های جنسی ظاهری نوزاد بروز می‌یابد، واکنش متفاوت والدین و دیگران به کودک را در پی دارد و همین امر که سرآغاز تأثیر نیروهای اجتماعی است، کودک را به سمت پذیرش نقش‌های جنسیتی سوق می‌دهد.
تکاملی	بر اساس این تئوری، انسان‌ها از طریق تلاش در نشان دادن واکنش مؤثر به اطراف خود، رشد می‌کنند؛ بنابراین به‌کارگیری راهبردهای متفاوت توسط اجداد زنان و مردان امروزی در سازگاری با محیط طبیعی، در طول زمان در اثر فرایندهای انتخاب طبیعی سبب تمایز صفات جسمی و روانی آن‌ها شده که برای مردان رقابت و برای زنان، تعامل با دیگران را در پی داشته است.
جنسیت‌سازی	بر اساس این تئوری، چگونگی درک افراد از دنیای پیرامون خود، تعیین‌کننده رفتار آن‌هاست و چون مقوله‌بندی جمعیت به زن (زنانگی) و مرد (مردانگی)، از قبل و در بدو تولد رخ می‌دهد، مردم در سراسر زندگی به مقوله‌بندی یکدیگر، ادامه داده و تمایز جنسیتی را تولید و بازتولید می‌کنند؛ بنابراین، در کنش متقابل، جنسیت با استفاده از تکنیک «تفاوت‌سازی»، به نتیجه می‌رسد و اشکال دیگری از نابرابری و تفاوت در قدرت را نیز ایجاد می‌کند.
یادگیری اجتماعی	باندورا معتقد است، هویت جنسیتی کودک در محیط اجتماعی و از طریق والدین، معلمان و دیگر کارگزاران جامعه‌پذیری، به صورت مستقیم (پاداش یا تنبیه)، یا به صورت غیرمستقیم (مشاهده و عمل به الگوها)، شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، مشاهده و تجربه بدرفتاری از ناحیه والدین در دوران کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌آمیز توسط مرد و آموختن تحمل توسط زن می‌شود.

ویژگی‌های منزلتی	بر طبق این تئوری، تأکید بر استفاده از جنسیت به عنوان ویژگی منزلتی و استفاده از آن در کنش متقابل برای ارزشیابی دیگران، عامل ایجاد کلیشه‌ها و انتظارات جنسیتی و در نتیجه، نامطلوب شمردن آن‌هایی است که ارزش منزلتی پایین‌تری (در مورد جنسیت: زنان) دارند؛ زیرا مردم به‌طور افتراقی، قدرت و منزلت را به جنسیت نسبت می‌دهند.
طرح‌واره	بر طبق این تئوری، ساختارهای اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری، باعث تشکیل نقش‌های جنسیتی، طرح‌واره ذهنی و کلیشه‌های جنسیتی انعطاف‌ناپذیر می‌شوند و گروه‌هایی که هدف کلیشه‌ها (زنان) قرار می‌گیرند، از قدرت کمتری برخوردارند. عادت‌واره زن‌ها که ناشی از جامعه‌پذیری جنسیتی سنتی‌شان در خانه، مدرسه و دولت است، سبب بازتولید سلطه مرد بر زن می‌شود و به عنوان سیستمی طبیعی و ضروری درک می‌شود.
هماندسازی	مطابق این نظریه، در جامعه‌پذیری، کودکان، با والدین هم‌جنس خود همانندسازی می‌کنند (دختران با مادران و پسران با پدران) و با توجه به تفاوت نقش‌های پدر و مادر در خانواده، دختران نقش‌های مادری را که مستلزم ارتباط نزدیک است و پسران نقش‌های پدری را در خود درونی می‌سازند و همین ساختارهای روانی متفاوت دختر و پسر، باعث تداوم نقش‌های جنسیتی و نابرابری جنسیتی می‌گردد.
برساخت‌گرایی	مطابق این تئوری، در فرایند تاریخ، افراد و گروه‌ها، واقعیت‌ها را می‌سازند و آن‌ها را به واسطه جامعه‌پذیری و یادگیری، درونی می‌کنند و این درونی کردن که در شناخت، احساس و اراده به وجود می‌آید، منجر به کنش‌های افراد و گروه‌ها می‌شود. در این دیدگاه، نقطه عزیمت تحلیل جنسیت به عنوان یک برساخت اجتماعی، روابط نابرابر قدرت و تحلیل تبادل جنسیت با سایر نهادهاست.

پس از بررسی تئوری‌های مختلف مربوط به جامعه‌پذیری جنسیتی، به نظر می‌رسد، هر یک از آن‌ها در تئوری خود، در ارتباط با جنسیت، حداقل به یکی از سه مورد منبع جنسیت، حیطة بروز و ظهور جنسیت و نتیجه تفکیک جنسیتی برای جامعه و خانواده می‌پردازند. در همین راستا، پژوهش حاضر، جهت بهره بردن از تئوری‌های مذکور، الگوی تحلیلی «منبع، حیطة، نتیجه» را طراحی کرده است که آن را به اختصار الگوی (SAR)^۱ می‌نامد و در جدول شماره ۲ به آن پرداخته شده است. از بخش حیطة، جهت تعیین ابعاد و از بخش منبع و نتیجه برای تعیین دیدگاه سنتی و مدرن استفاده شده است.

جدول (۲) نظریات جامعه‌پذیری جنسیتی در الگوی "SAR" متناسب با مؤلفه‌های آن

ابعاد و نوع دیدگاه	منبع، حیطه، نتیجه	جنسیت	نظریه
دیدگاه سنتی	نیروه‌های طبیعی / تفاوت‌های بیولوژیکی / ذات عاطفی زنان و رقابت، سلطه‌گری و روحیه تجاوز برای مردان	منبع	زیست‌فناختی (۲۱)
ناابرابری جنسیتی	تفاوت و نابرابری در نقش‌های جنسیتی در جامعه		
ناابرابری جنسیتی	عدم مشارکت زنان در حوزه عمومی	حیطه	
روابط قدرت	عدم توانایی زنان در تصمیم‌گیری		
روابط قدرت	نقش پرورشی و مراقبتی برای زنان و نقش سرپرستی مردان در خانواده		نتیجه
دیدگاه سنتی	تأیید سلطه جنس نر بر ماده / تأیید وجود سلسله‌مراتب اجتماعی / اعتقاد به نابرابری جنسیتی به عنوان یک فرآیند جهانی طبیعی و طبیعی	نتیجه	
دیدگاه سنتی	نیروه‌های زیستی / واکنش متفاوت والدین به دختر و پسر / نیروهای اجتماعی با منشأ طبیعی	منبع	زیستی اجتماعی (۲۲)
ناابرابری جنسیتی و روابط قدرت	پذیرش نقش‌های جنسیتی	حیطه	
دیدگاه سنتی	تأیید جهت‌گیری‌ها و محدودیت‌های جنسیتی در جامعه و خانواده	نتیجه	تکاملی (۲۳)
دیدگاه سنتی	انتخاب طبیعی زن و مرد در جهت بقا / رفتارهای متضاد از تفاوت‌های بیولوژیکی دو جنس / ترکیب ژنتیکی کل جمعیت	منبع	
ناابرابری جنسیتی	تفاوت در رفتارهای زن و مرد (رقابت برای مردان و تعامل برای زنان)	حیطه	
ارزش‌های جنسیتی	نمایند در صفات جسمانی و روانی		نتیجه
دیدگاه سنتی	تأیید وجود روابط نابرابر قدرت بین دو جنس / تأیید وجود نابرابری جنسیتی در جامعه با مرتبط کردن ارزش‌های رقابت‌جویی و تعامل با جنسیت	نتیجه	

دیدگاه مدرن	رده‌بندی جنسیتی در کنش متقابل / کنش طبیعی به جنسیت / ذهنیت زن و مرد یا جامعه در مورد جنسیت / تکلیک تفاوت سازی دو جنس	منبع	
ناابرابری جنسیتی و روابط قدرت	تفش‌های جنسیتی	حیطه	جنسیت سازی (T۴)
روابط قدرت	ناابرابری و تفاوت در قدرت		
دیدگاه مدرن	عدم تأیید تمایزات جنسیتی / برساختی دانستن جنسیت	نتیجه	
دیدگاه مدرن	مشاهده و نمونه‌سازی رفتارهای جنسیتی / الگوهای اجتماعی موجود / کارگزاران جامعه‌پذیری	منبع	
ارزش‌ها و ناابرابری	رفتارهای وابسته به جنس		
ناابرابری جنسیتی و روابط قدرت	تفش‌های جنسیتی	حیطه	یادگیری اجتماعی (T۵)
روابط قدرت	یادگیری رفتارهای سلطه آمیز توسط مرد و تحمل توسط زن		
دیدگاه مدرن	بازتولید سلطه در جامعه‌های جنسیتی / ترویج خشونت تحت تأثیر الگوهای قدرتمند / عدم تأیید سلطه	نتیجه	
دیدگاه مدرن	رده‌بندی جنسیتی / کنش متقابل / ویژگی‌های منزلی جنسیت	منبع	
ناابرابری جنسیتی و روابط قدرت	انتظارات و کلیشه‌های جنسیتی		
ناابرابری جنسیتی و روابط قدرت	نسبت دادن منزلت و قدرت به جنسیت	حیطه	ویژگی‌های منزلی (T۶)
ناابرابری جنسیتی	ارزشیابی رفتار و عملکرد دیگران با استفاده از ویژگی منزلی جنسیت		
دیدگاه مدرن	تولید و بازتولید سلطه با مطلوب شمردن آن‌هایی که ارزش منزلی پائینی دارند (زنان) / تداوم کلیشه‌های جنسیتی	نتیجه	

دیده‌گاه مدرن	کلایشه‌های فرهنگی / یادگیری تدریجی / برداشت فرد از زنانگی / مردانگی / شیوه درک کودک از خویش و محیط اجتماعی خویش / ساختارهای اجتماعی / جامعه‌پذیری سستی زنان / اختیارت بدنی و نمادین مردان	منبع	طرح‌واره‌های جنسیتی (۳۷)
ارزش‌ها	طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به جنسیت بر اساس تعریف محیط از مردانه و زنانه		
ارزش‌ها	طرح‌واره ذهنی		
تاب‌آوری جنسیتی	نقش‌های اجتماعی و سیاسی و نوع تقسیم کار اجتماعی		
روابط قدرت	نقش‌های مختلف در خانواده	حیطه	
تاب‌آوری جنسیتی	تفکیک جنسیتی خصوصیات شخصی و رفتارهای فردی		
روابط قدرت، ارزش‌ها و تاب‌آوری	نقش‌های حرفه‌ای		
تاب‌آوری جنسیتی	تقسیم ساختاری فضا بر حسب جنسیت (زمان و مکان)		
دیده‌گاه مدرن	بازتولید سلاطه به دلیل کلیشه‌سازی جنسیتی / آسیب رسیدن به هر دو گروه زنان و مردان / قدرت کمتر زنان نسبت به مردان / وجود نوعی علیت چرخشی در نظام تاب‌آوری جنسیتی جوامع مدرن	نتیجه	

دیدگاه مدرن	دلبستگی نوزاد به والدین در سال اول و تفاوت دو جنس در قطع وابستگی / آگاهی کودک از خود و دیگران / همانندسازی پدر با پسر و مادر با دختر / پذیرش جنس زیست‌شناختی همراه با هویت جنسیتی / پرورش کودک توسط مادر	منبع	همانندسازی (T۸)
روابط قدرت	تقسیم کار جنسیتی در خانه		
ارزش‌ها	شخصیت‌های متمایز دو جنس		
ارزش‌ها	درک مردان از خود بر اساس هر آنچه زنانه نباشد	حیطه	
ناابرابری جنسیتی و روابط قدرت	نقش‌های مردانه و زنانه		
ارزش‌ها	ارزش‌ها و ویژگی‌های رفتاری متناسب به جنس		
دیدگاه مدرن	تغویت و بازتولید سلطه مردانه در فرآیند جدایی / کم‌ارزش دانستن زنانگی توسط مردان / تداوم و بازتولید تقسیم کار جنسیتی	نتیجه	
دیدگاه مدرن	فعالیت کنش‌گران فردی و جمعی (درونی) / واقعیت‌های اجتماعی تاریخی / واژه‌ها، ایزه‌ها، قواعد و نهاد‌های موجود و دگرگونی آن توسط افراد و گروه‌ها / شیوه‌های یادگیری و جامعه‌پذیری (بیرونی)	منبع	
ناابرابری جنسیتی	مناسبات اجتماعی در زمینه‌های تاریخی خاص		
روابط قدرت	روابط نابرابر قدرت		
روابط قدرت، ارزش‌ها و ناابرابری	خانه‌داری، فرهنگ، بهداشت و سکسوالیته	حیطه	برساخت گرایی (T۹)
ناابرابری جنسیتی	ناابرابری فرصت‌ها، قدرت و امتیازات زنان و مردان		
دیدگاه مدرن	مبادلات کارکردی جنسیت با نهاد‌های مختلف / کارکرد منفی خشونت‌ورزی و سلطه	نتیجه	

پرسشنامه جامعه‌پذیری جنسیتی

پرسشنامه محقق ساخته جامعه‌پذیری جنسیتی بر اساس نظریه‌های موجود تهیه گردید که داری ۴۱ گویه و سه مؤلفه (ارزش‌های جنسیتی، نابرابری جنسیتی و روابط قدرت) است. پژوهش حاضر، جهت سنجش جامعه‌پذیری جنسیتی از طیف لیکرت بهره برده است که در آن، دیدگاه پاسخگویان در رابطه با هر کدام از گویه‌ها در قالب پنج گزینه (کاملاً موافقم، موافقم تا حدی قبول دارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) اندازه‌گیری شد؛ بر این اساس به گزینه «کاملاً موافقم» در گوی‌ها بالاترین نمره تعلق گرفته و بقیه گزینه‌های این طیف بر این مبنا از «زیاد به کم» نمره‌گذاری شده است که با جمع گویه‌ها، نمره به‌دست‌آمده بین ۴۱ و ۲۰۵ است. میزان جامعه‌پذیری جنسیتی پاسخگویان با توجه به نمره‌ای است که هر یک از آن‌ها از پاسخ‌های خود می‌گیرند.

روایی و پایایی پرسشنامه‌ها

جهت سنجش روایی، پرسشنامه در اختیار چند متخصص و صاحب‌نظر از جمله استاد راهنما و استاد مشاور این پژوهش گذاشته شد. همچنین پایایی سؤالات جامعه‌پذیری جنسیتی با استفاده از آلفای کرونباخ موردبررسی قرار گرفت و با توجه به نمره بالای آلفای کرونباخ، سؤال پرسشنامه، مناسب تشخیص داده شد.

جدول (۳) میزان آلفای به‌دست‌آمده برای هر یک از متغیرهای تحقیق

ابعد	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
جامعه‌پذیری جنسیتی	۴۱	۰/۹۳۶
ارزش‌های جنسیتی	۱۸	۰/۸۴۹
نابرابری جنسیتی	۱۴	۰/۸۷۳
روابط قدرت	۹	۰/۷۹۸

یافته‌های تحقیق

این پژوهش، جهت توصیف جمعیت نمونه و تحلیل عامل اکتشافی (مؤلفه‌های اصلی^۲) از نرم‌افزار SPSS24 و جهت انجام تحلیل عامل تأییدی (تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری) از نرم‌افزار Lisrel10 بهره برده است. در این پژوهش، تعداد ۴۰۰ نفر از کلیه زنان شهر بندرعباس به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند؛ نتایج حاصل از مشخصات سن، نشان داد که بیشتر پاسخ‌دهندگان در سن ۳۰ تا ۳۹ سال با حدود ۳۷/۸ درصد و کمترین تعداد پاسخگویان در سن بالای ۵۰ سال با حدود ۳/۸ درصد می‌باشند. همچنین فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات، نشان داد، پاسخگویان زیر دیپلم با ۳۴/۳ درصد بیش‌ترین تعداد و پاسخگویان با تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر با ۳/۳ درصد، کمترین تعداد را به خود اختصاص دادند. در بررسی فراوانی پاسخگویان بر حسب شاغل یا بیکار بودن، نتایج حاکی از این است که ۷۰/۸ درصد از پاسخگویان بیکار و ۲۹/۳ درصد از آن‌ها شاغل هستند. همچنین، ۴۷/۱ درصد از پاسخگویان بین ۱ تا ۲ فرزند و ۱/۳ درصد از آن‌ها بیشتر از ۶ فرزند دارند.

مدل جامعه‌پذیری جنسیتی کدام است؟

برای پاسخ به این سؤال از دو روش تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد.

الف: تحلیل عامل اکتشافی

پژوهش حاضر، جهت شناسایی ابعاد جامعه‌پذیری جنسیتی از روش کدگذاری باز و محوری بهره برده است. بدین صورت که بر اساس نظریه‌های جامعه‌پذیری جنسیتی (زیست‌شناختی (T1)، زیستی اجتماعی (T2)، تکاملی (T3)، جنسیت‌سازی (T4)، یادگیری اجتماعی (T5)، ویژگی‌های منزلتی (T6)، طرح‌واره‌های جنسیتی (T7)، همانندسازی (T8) و برساخت‌گرایی (T9))، مفاهیمی استخراج و این مفاهیم، در کدگذاری باز، قرار گرفتند؛ سپس مفاهیم مستخرجه، در قسمت کدگذاری محوری، به ابعاد جامعه‌پذیری تبدیل شدند.

همان‌طور که در جدول شماره ۴، نشان داده شده است، نتایج حاصل از کدگذاری باز و محوری، به استخراج ۳ بُعد از ۹ مفهوم منجر شده است که هر یک از این ابعاد عبارت‌اند از:

- روابط قدرت که از ۲ مفهوم نحوه تقسیم کار در منزل و سهم زوجین در تصمیم‌گیری، استخراج شد.

- نابرابری جنسیتی که از ۳ مفهوم تقسیم کار اجتماعی، نابرابری فرهنگی و نابرابری فردی، استخراج شد.

- ارزش‌های جنسیتی که از ۴ مفهوم، ارزش‌های جنسیتی مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق و فرزند آوری استخراج شد.

جدول (۴) کدگذاری باز و محوری

کد نظریه	کدگذاری محوری	کدگذاری باز (مفاهیم مستخرج)
T۱, T۲, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹	روابط قدرت	۱- تقسیم کار
T۱, T۲, T۴, T۵, T۶, T۷, T۹		۲- تصمیم‌گیری
T۱, T۲, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹	نابرابری جنسیتی	۳- تقسیم کار اجتماعی (مشارکت اقتصادی و توانمندسازی سیاسی)
T۱, T۲, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹		۴- نابرابری فرهنگی (زبان، علم و دیدگاه معیار)
T۱, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹		۵- نابرابری در مسائل فردی (بدن، بهداشت، آموزش، مسائل مربوط به زندگی خانوادگی)
T۱, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹	ارزش‌ها	۶- ارزش‌های جنسیتی مربوط به ازدواج
T۱, T۲, T۳, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹		۷- ارزش‌های جنسیتی مربوط به خانواده
T۱, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹		۸- ارزش‌های جنسیتی مربوط به طلاق
T۱, T۲, T۴, T۵, T۶, T۷, T۸, T۹		۹- ارزش‌های جنسیتی مربوط به فرزند آوری

بخش کتبی

این پژوهش، جهت شناسایی مؤلفه‌های جامعه‌پذیری جنسیتی، از روش تحلیل عامل اکتشافی بهره برد. با توجه به نتایج جدول شماره ۵، مقدار KMO برابر با «۰/۸۸۷» و سطح معناداری آزمون بارتلت نیز برابر با «۰/۰۰۰» (کوچک‌تر از ۰/۰۵)، است؛ مقادیر به‌دست‌آمده، نشان می‌دهد که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی در سطح بسیار مناسبی می‌باشند.

جدول (۵) نتایج آزمون بارتلت و کومو

۰,۸۸۷	KMO	
۷۷۰۲,۸۵۹	کای اسکوئر	بارتلت
۸۲۰	درجه آزادی	
۰,۰۰۰	سطح معناداری	

در جدول شماره ۶، اشتراکات اولیه و اشتراکات استخراجی مؤلفه‌ها آمده است. نتایج اشتراکات اولیه و استخراجی مربوط به مؤلفه‌ها، نشان می‌دهد، تمام بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴ هستند و نیاز به حذف شاخصی نیست؛ بنابراین این مفروضه نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که داده‌ها برای اجرای تحلیل عاملی مناسب هستند.

جدول (۶) نتایج اشتراکات اولیه و استخراجی

اشتراکات استخراجی	اشتراکات اولیه	شاخص (Q)
۰.۵۶۱	۱	۱- اشتغال زنان چون موجب افزایش استقلال و سطح توقع زنان می‌شود، به ضرر ثبات خانواده است.
۰.۵۲۵	۱	۲- زنان شاغل به دلیل خستگی، قادر نیستند آن طور که باید به وظایف خود در خانه بپردازند.
۰.۵۹۹	۱	۳- زنان غالباً عاقلانه و مختارانه، کذب‌نوگری و همسررداری را انتخاب می‌کنند.
۰.۶۰۲	۱	۴- چون عواقب ناشی از تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بر عهده مردان است، پس باید آن‌ها تصمیم نهایی را بگیرند.
۰.۷۱۱	۱	۵- زنان باید به تصمیمات مردان در خانواده احترام بگذارند تا بچه‌ها از پدر حساب ببرند.
۰.۵۶۲	۱	۶- زنان بهتر است برای جلوگیری از سرزنش شدن، در تصمیمات خانواده کمتر دخالت کنند.
۰.۵۶۰	۱	۷- اگر رئیس خانواده، مرد نباشد، هرچ و مرج ایجاد می‌شود.
۰.۵۹۷	۱	۸- زن به دلیل وابستگی مالی و جانی به شوهرش، بهتر است از او حرف‌شنوی داشته باشد.
۰.۵۶۹	۱	۹- تصمیم‌گیری در مورد میزان و محل هزینه‌های خانواده باید بر عهده مرد باشد.

۵۸۵	۱	۱۰- من به نوبه خودم به یک کاندید زن رأی نمی‌دهم، چون زنان برای سیاست ساخته نشده‌اند.
۶۱۸	۱	۱۱- زن به دلیل احساساتی بودن نمی‌تواند قاضی یا رئیس‌جمهور باشد.
۵۷۴	۱	۱۲- علت جایگاه بالاتر مردان در جامعه، کارهای مهم‌تر و سنگین‌تری است که به آن مشغول‌اند.
۶۸۹	۱	۱۳- چون مردان نان‌آور خانواده هستند، موافقم که فرصت‌های شغلی بیشتری در اختیار آن‌ها باشد.
۶۵۶	۱	۱۴- زنان ذاتاً از عهده کارهای خانه بیشتر از مردان برمی‌آیند.
۵۹۹	۱	۱۵- زنان در صورت شاغل بودن نباید در کارهای سنگین و پست‌های بالا مشغول باشند.
۶۵۵	۱	۱۶- خدا زن را ضعیف‌تر از مرد آفریده است، پس نباید بی‌جهت شجاعت به خرج دهد.
۶۰۲	۱	۱۷- یک مدیر زن نسبت به یک مدیر مرد، ابهت و منزلت کمتری دارد.
۶۹۳	۱	۱۸- مغز تحلیلی مردان قوی‌تر از زنان است به همین دلیل در عرصه‌های عمومی موفق‌ترند.
۵۶۰	۱	۱۹- کنترل و کیفیت روابط جنسی و ارتباطات زن و مرد، بر عهده مردان است.
۵۳۱	۱	۲۰- زن برای پیشرفت، تحصیلات و شغل باید رضایت شوهرش را کسب کند.
۶۳۶	۱	۲۱- زن نباید بدون اجازه و اطلاع شوهرش با کسی رفت‌وآمد کند.
۵۵۸	۱	۲۲- مادری کردن و خانه‌داری، کار سخت و دشواری است، اما ثواب اخروی دارد و مقام معنوی زن را بالا می‌برد.
۵۶۳	۱	۲۳- در زندگی خانوادگی، مرد صاحب زن است و حق دارد در مواردی سختگیری کند.
۶۵۳	۱	۲۴- برای زن پسندیده نیست که زمان خواستگاری خواسته‌های جنسی خود را مطرح کند.
۵۹۶	۱	۲۵- زن، بعد از ازدواج داری و ناموس مرد به حساب می‌آید.
۶۲۱	۱	۲۶- در ازدواج سنتی که خانواده‌ها واسطه هستند، احترام و ارزش زن بیشتر حفظ می‌شود.
۶۰۴	۱	۲۷- باید اولویت یک زن همسر و فرزندان باشد، نه خواسته‌ها و علایق شخصی.
۵۹۱	۱	۲۸- زندگی‌ای که در آن زن تابع شوهر خود باشد دوام بیشتری دارد.

۶۳۲	۱	۲۹- زن خوب کسی است که در هر شرایطی بسوزد و بسازد.
۵۲۱	۱	۳۰- تحمل بدخلقی‌ها و عصبانیت‌های شوهر، برای زن اجر اخروی دارد.
۵۰۴	۱	۳۱- یک زن بیشتر از یک مرد به خانواده و حمایت و امنیت موجود در آن نیازمند است
۵۷۶	۱	۳۲- زنی که برای خودش آزاد است و دنبال علایق شخصی‌اش می‌رود، به درد زندگی نمی‌خورد.
۵۷۹	۱	۳۳- ارتباطات خارج از حوزه زناشویی برای یک زن بسیار زشت‌تر و بدتر است.
۵۸۲	۱	۳۴- زن هر جایگاه اجتماعی و شغلی داشته باشد، در خانه باید یک کدبانو و مطیع همسر خود باشد.
۶۲۴	۱	۳۵- از قدیم گفته‌اند، زن با لباس سفید می‌رود خانه شوهر، باید با لباس سفید هم برگردد.
۷۱۸	۱	۳۶- من اجازه نمی‌دهم پسر یا برادرم با یک زن مطلقه ازدواج کند.
۵۲۵	۱	۳۷- به این دلیل که زن مطلقه در جامعه جایگاه بدی دارد، زن نباید به راحتی به طلاق فکر کند.
۶۲۳	۱	۳۸- چون زن مطلقه، بدون صاحب است، باید از او دوری کنیم.
۷۰۴	۱	۳۹- زنان ذاتاً مادری کردن را دوست دارند، پس نقش مطلوبی برای آنان است.
۶۶۳	۱	۴۰- زنانی که می‌توانند، بچه‌های سالم و به ویژه پسر، به دنیا بیاورند، بیشتر مورداحترام هستند.
۷۱۰	۱	۴۱- به دلیل آمادگی طبیعی زن برای مراقبت از فرزند، سقط‌جنین عملی توسط زن، یک عمل بی‌رحمانه است.

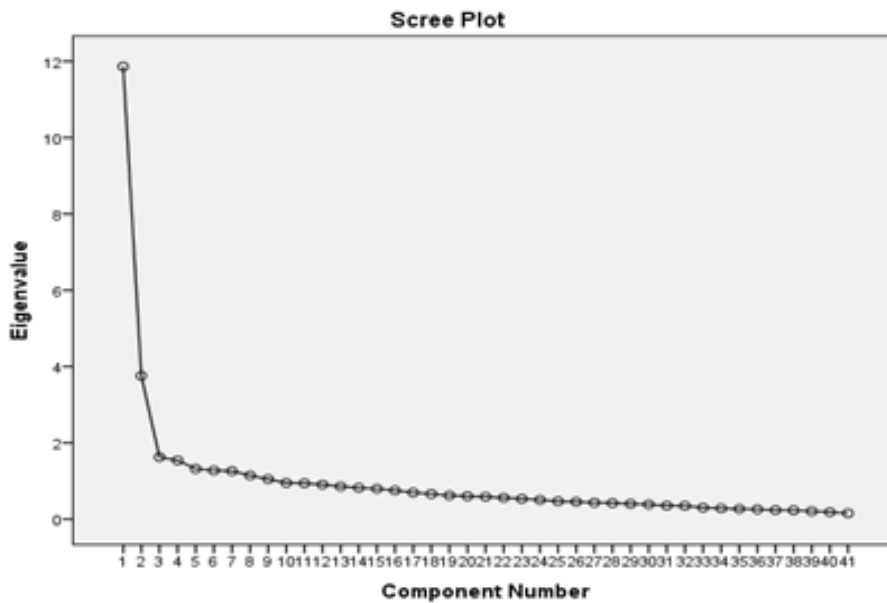
فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره اول (تابی ۱۳۹۰) بهار ۱۴۰۰

با توجه به جدول شماره ۷، نتایج حاصل از تحلیل عاملی، بر روی پاسخ‌های ۴۰۰ نفر از نمونه مورد مطالعه، تعداد ۹ مؤلفه را به عنوان مؤلفه‌های جامعه‌پذیری جنسیتی از بین ۴۱ شاخص نشان می‌دهد که ۶۰/۵۷۱ درصد کل واریانس توسط این ۹ مؤلفه تبیین می‌شود.

جدول (۷) مقادیر ارزش ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی مؤلفه‌های ۹ گانه

عامل	بعد از چرخش واریماکس		
	درصد ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۳/۴۳۷	۸/۳۸۲	۸/۳۸۲
۲	۳/۳۲۴	۸/۱۰۷	۱۶/۴۸۹
۳	۳/۱۵۷	۷/۶۹۹	۲۴/۱۸۸
۴	۳/۰۵۵	۷/۴۵۲	۳۱/۶۴۱
۵	۲/۹۷۴	۷/۲۵۵	۳۸/۸۹۵
۶	۲/۷۲۳	۶/۶۴۱	۴۵/۵۳۷
۷	۲/۱۹۱	۵/۳۴۵	۵۰/۸۸۱
۸	۲/۰۵۱	۵/۰۰۲	۵۵/۸۸۳
۹	۱/۹۲۲	۴/۶۸۸	۶۰/۵۷۱

از نمودار ۱ که به نمودار «اسکری» معروف است، می‌توان چنین استنباط نمود که سهم ۹ عامل نخست، در واریانس کل متغیرها چشمگیرتر و از سهم بقیه عامل‌ها کاملاً متمایزتر است.



نمودار (۱) نمودار «اسکری» برای مجموعه ۴۱ شاخصی

همان‌طور که در جدول شماره ۸، نشان داده شده است، پس از چرخش، تعداد ۹ مؤلفه به عنوان مؤلفه‌های جامعه‌پذیری جنسیتی از بین ۴۱ شاخص شناسایی شده‌اند که میزان اثرات کلی این مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن برابر با ۶۰/۵۷۱ درصد بوده است. با توجه به ادبیات نظری مورد مطالعه، نام‌گذاری هر یک از مؤلفه‌های استخراج شده از شاخص‌ها و میزان اثر (درصد واریانس) آن‌ها به شرح جدول شماره ۹، صورت گرفته است:

جدول (۸) بارهای عاملی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها پس از چرخش

عامل									شاخص
۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
								.۵۸۱	(Q۲۷)
								.۵۳۳	(Q۲۸)
								.۴۸۶	(Q۲۹)
								.۴۸۸	(Q۳۰)
								.۶۳۷	(Q۳۱)
								.۴۱۵	(Q۳۲)
								.۶۹۶	(Q۳۳)
								.۶۵۶	(Q۳۴)
							.۵۹۳		(Q۴)
							.۷۰۷		(Q۵)
							.۴۸۷		(Q۶)
							.۵۳۰		(Q۷)
							.۶۳۰		(Q۸)
							.۴۰۳		(Q۹)
						.۶۰۸			(Q۱۶)
						.۵۳۰			(Q۲۰)
						.۶۲۲			(Q۲۱)
						.۶۰۵			(Q۲۲)
						.۵۳۳			(Q۲۳)
					.۶۱۲				(Q۳۵)
					.۷۲۶				(Q۳۶)
					.۵۴۲				(Q۳۷)
					.۶۳۱				(Q۳۸)
				.۵۱۴					(Q۱۰)

				.۴۶۷					(Q۱۱)
				.۵۴۷					(Q۱۲)
				.۵۶۲					(Q۱۳)
				.۶۱۹					(Q۱۴)
				.۵۱۴					(Q۱۵)
			.۶۸۹						(Q۱)
			.۵۶۳						(Q۲)
			.۵۹۸						(Q۳)
		.۷۲۲							(Q۲۴)
		.۵۱۹							(Q۲۵)
		.۶۲۷							(Q۲۶)
	.۶۲۵								(Q۱۶)
	.۵۶۹								(Q۱۷)
	.۷۵۵								(Q۱۸)
.۵۳۷									(Q۳۹)
.۶۸۳									(Q۴۰)
.۷۲۳									(Q۴۱)

جدول (۹) نام‌گذاری مؤلفه‌های شناسایی شده بر اساس شاخص‌ها

ردیف	مؤلفه	میزان اثر (درصد واریانس)	شاخص (Q)
۱	خانواده	۸/۳۸۲	۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴
۲	تصمیم‌گیری	۸/۱۰۷	۴-۵-۶-۷-۸-۹
۳	نابرابری فردی	۷/۶۹۹	۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳
۴	طلاق	۷/۴۵۲	۳۵-۳۶-۳۷-۳۸
۵	تقسیم کار اجتماعی	۷/۲۵۵	۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵
۶	تقسیم کار	۶/۶۴۱	۱-۲-۳
۷	ازدواج	۵/۳۴۵	۲۴-۲۵-۲۶
۸	نابرابری فرهنگی	۵/۰۰۲	۱۶-۱۷-۱۸
۹	فرزندآوری	۴/۶۸۸	۳۹-۴۰-۴۱

ب: تحلیل عاملی تأییدی

پژوهش حاضر، جهت تعیین توان مدل عامل‌های به‌دست‌آمده از تحلیل عامل اکتشافی، از آزمون تحلیل عاملی تأییدی^۳ (CFA)، بهره برده است. برای انجام این آزمون، از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزار آماری لیزرل ۱۰، استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون به شرح زیر است:

همان‌طور که در جدول شماره ۱۰ و نمودارهای شماره ۲ و ۳، نشان داده شده است، مدل جامعه‌پذیری جنسیتی دارای ۳ بعد و ۹ مؤلفه و ۴۱ شاخص است که بار عاملی تمام ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن‌ها بیشتر از ۰/۳ و در حد قابل قبولی قرار دارد. مقادیر آماره t به‌دست‌آمده نیز در تمام مسیرها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است؛ بنابراین می‌توان گفت ارتباط معناداری بین هر بعد و مؤلفه با شاخص‌های مرتبط به آن وجود دارد؛ بنابراین با توجه به مقادیر حاصل شده:

*** در بُعد روابط قدرت**

۱- در مؤلفه «تقسیم کار» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۳ با وزن ۰/۷۱ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۵/۰ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

۲- در مؤلفه «تصمیم‌گیری» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۹ با وزن ۰/۸۸ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۷/۸ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

*** در بُعد نابرابری جنسیتی**

۳- در مؤلفه «تقسیم کار اجتماعی» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۱۲ با وزن ۰/۸۰ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۶/۴ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

۴- در مؤلفه «نابرابری فرهنگی» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۱۶ با وزن ۰/۶۵ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۴/۲ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

۵- در مؤلفه «نابرابری فردی» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۲۰ با وزن ۰/۸۲ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۶/۸ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

* در بُعد ارزش‌های جنسیتی

۶- در مؤلفه «ازدواج» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۲۶ با وزن ۰/۶۱ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۳/۸ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

۷- در مؤلفه «خانواده» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۳۳ با وزن ۰/۷۷ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۶/۰ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

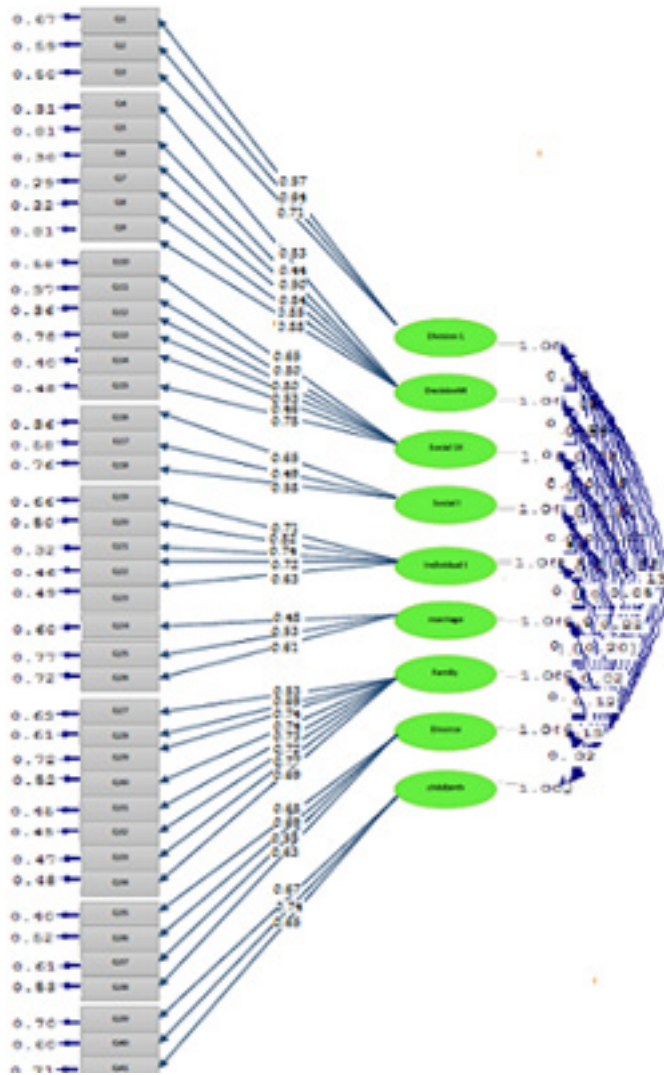
۸- در مؤلفه «طلاق» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۳۶ با وزن ۰/۶۹ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۴/۷ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

۹- در مؤلفه «فرزندآوری» بیش‌ترین بار عاملی مربوط به شاخص شماره ۴۰ با وزن ۰/۷۴ است که بر اساس میزان R^2 به‌دست‌آمده، ۵/۵ درصد واریانس مؤلفه فوق، توسط این شاخص تبیین می‌شود.

جدول (۱۰) بار عاملی و مقادیر T ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل

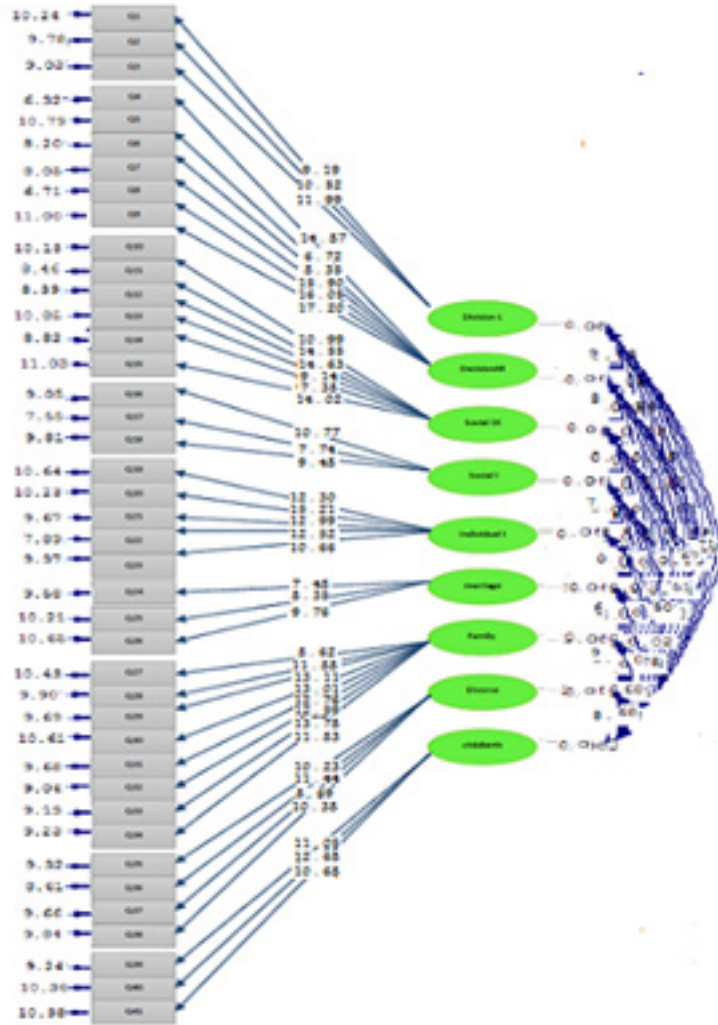
نتیجه	P-value	R ^۲	مقدار T	بار عاملی استاندارد شده	شماره شاخص (متغیر آشکار)	بعد (متغیر پنهان ۲)	بعد (متغیر پنهان ۱)
معنادار	>۰.۵/۰	۳۳/۰	۱۹/۹	۵۷/۰	Q۱	تقسیم کار	روابط قدرت
معنادار	>۰.۵/۰	۴۱/۰	۵۲/۱۰	۶۴/۰	Q۲		
معنادار	>۰.۵/۰	۵۰/۰	۹۹/۱۱	۷۱/۰	Q۳		
معنادار	>۰.۵/۰	۶۹/۰	۸۷/۱۴	۸۳/۰	Q۴	تصمیم‌گیری	
معنادار	>۰.۵/۰	۱۹/۰	۷۲/۶	۴۴/۰	Q۵		
معنادار	>۰.۵/۰	۲۸/۰	۳۵/۸	۵۰/۰	Q۶		
معنادار	>۰.۵/۰	۷۰/۰	۹۰/۱۵	۸۴/۰	Q۷		
معنادار	>۰.۵/۰	۷۱/۰	۰۵/۱۶	۸۵/۰	Q۸		
معنادار	>۰.۵/۰	۷۸/۰	۲۰/۱۷	۸۸/۰	Q۹	تقسیم کار اجتماعی	
معنادار	>۰.۵/۰	۴۲/۰	۹۹/۱۰	۶۵/۰	Q۱۰		
معنادار	>۰.۵/۰	۶۳/۰	۵۵/۱۴	۸۰/۰	Q۱۱		
معنادار	>۰.۵/۰	۶۴/۰	۶۳/۱۴	۸۰/۰	Q۱۲		
معنادار	>۰.۵/۰	۲۷/۰	۱۴/۹	۵۳/۰	Q۱۳		
معنادار	>۰.۵/۰	۲۲/۰	۳۸/۷	۴۶/۰	Q۱۴	نابرابری فرهنگی	
معنادار	>۰.۵/۰	۶۰/۰	۰۲/۱۴	۷۸/۰	Q۱۵		
معنادار	>۰.۵/۰	۴۲/۰	۷۷/۱۰	۶۵/۰	Q۱۶		
معنادار	>۰.۵/۰	۲۴/۰	۷۴/۷	۴۹/۰	Q۱۷	نابرابری فردی	
معنادار	>۰.۵/۰	۳۴/۰	۴۸/۹	۵۸/۰	Q۱۸		
معنادار	>۰.۵/۰	۵۰/۰	۳۰/۱۲	۷۱/۰	Q۱۹		
معنادار	>۰.۵/۰	۶۸/۰	۲۱/۱۵	۸۲/۰	Q۲۰		
معنادار	>۰.۵/۰	۵۴/۰	۹۹/۱۲	۷۴/۰	Q۲۱		
معنادار	>۰.۵/۰	۵۱/۰	۵۲/۱۲	۷۲/۰	Q۲۲		
معنادار	>۰.۵/۰	۴۰/۰	۶۶/۱۰	۶۳/۰	Q۲۳		

معنادار	۰.۵/۰>	۲۳/۰	۴۸/۷	۴۸/۰	Q۲۴	ازدواج	ارزش‌های جنسیتی	
معنادار	۰.۵/۰>	۲۸/۰	۳۵/۸	۵۳/۰	Q۲۵			
معنادار	۰.۵/۰>	۳۷/۰	۷۶/۹	۶۱/۰	Q۲۶			
معنادار	۰.۵/۰>	۲۸/۰	۶۲/۸	۵۳/۰	Q۲۷	خانواده		
معنادار	۰.۵/۰>	۴۸/۰	۸۸/۱۱	۶۹/۰	Q۲۸			
معنادار	۰.۵/۰>	۵۵/۰	۱۱/۱۳	۷۴/۰	Q۲۹			
معنادار	۰.۵/۰>	۵۵/۰	۰.۱/۱۳	۷۴/۰	Q۳۰			
معنادار	۰.۵/۰>	۵۳/۰	۷۶/۱۲	۷۳/۰	Q۳۱			
معنادار	۰.۵/۰>	۵۲/۰	۵۹/۱۲	۷۲/۰	Q۳۲			
معنادار	۰.۵/۰>	۶۰/۰	۷۸/۱۳	۷۷/۰	Q۳۳			
معنادار	۰.۵/۰>	۴۸/۰	۸۳/۱۱	۶۹/۰	Q۳۴			
معنادار	۰.۵/۰>	۳۹/۰	۲۳/۱۰	۶۸/۰	Q۳۵			طلاق
معنادار	۰.۵/۰>	۴۷/۰	۴۴/۱۱	۶۹/۰	Q۳۶			
معنادار	۰.۵/۰>	۳۰/۰	۶۹/۸	۵۵/۰	Q۳۷			
معنادار	۰.۵/۰>	۴۰/۰	۳۸/۱۰	۶۳/۰	Q۳۸			
معنادار	۰.۵/۰>	۴۴/۰	۰.۵/۱۱	۶۷/۰	Q۳۹	فرزندآوری		
معنادار	۰.۵/۰>	۵۵/۰	۶۸/۱۲	۷۴/۰	Q۴۰			
معنادار	۰.۵/۰>	۴۲/۰	۶۸/۱۰	۶۵/۰	Q۴۱			



Chi-Square=3378.94, df=1522, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

نمودار (۲) مدل تحلیل عاملی تأییدی حالت معنی داری



Chi-Square=3378.94, df=1522, P-value=0.00000, RMSEA=0.072

نمودار (۳) مدل تحلیل عاملی تأییدی حالت برآورد استاندارد

همان‌طور که در جدول شماره ۱۱، نشان داده شده است، مقدار مجذور کای با درجه آزادی $df=1522$ برای این مدل $X^2=3378/94$ و سطح معنی‌داری آن $0/000$ برآورد شده که در سطح $0/05$ معنی‌دار است. نسبت مجذور کای به درجه آزادی مربوطه برابر با $2/22$ به دست آمده است که این مقدار منطبق با سطح قابل قبول که کمتر از ۵ است، است و

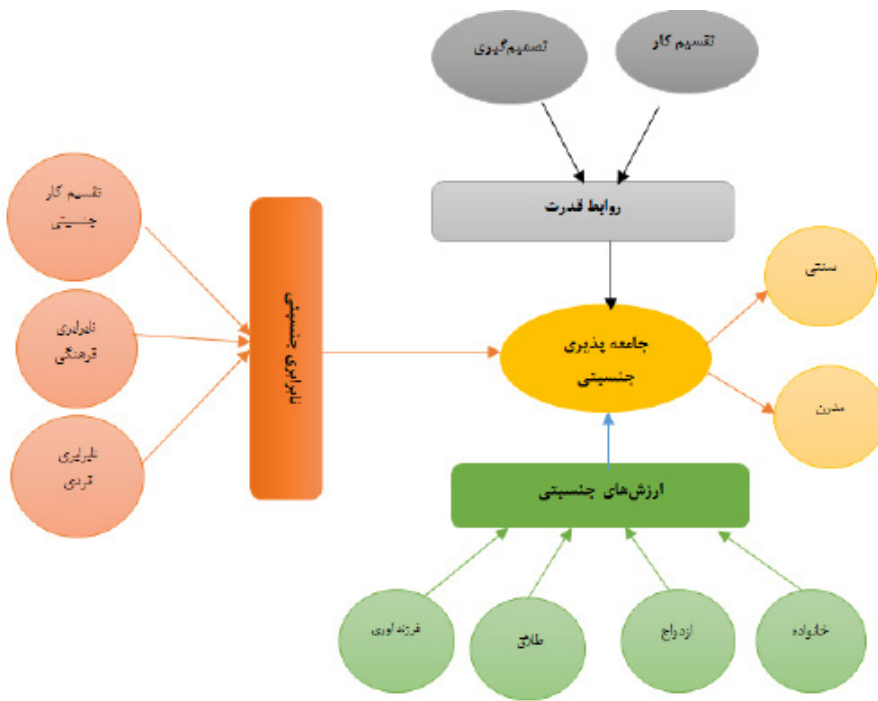
نشان‌دهنده برازش قابل قبولی برای مدل است. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برای مدل‌های خوب ۰/۰۵ است. در صورتی که بین ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ باشد، برازش قابل قبول، اگر بین ۰/۰۸ تا ۰/۱ باشد، برازش متوسط است و مدلی که در آن این شاخص از ۰/۱ بیشتر باشد، برازش ضعیفی دارد. این شاخص در مدل ارائه شده برابر با ۰/۰۶۴ محاسبه شده است که نشان می‌دهد مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR) برای این مدل ۰/۰۴۷ محاسبه شده است که مقدار کوچک‌تر از ۰/۰۵ نشان از تبیین نسبتاً مناسب کوواریانس‌ها دارد. سایر شاخص‌ها همچون نیکویی برازش (GFI)، برازش هنجار یافته (NFI)، برازش هنجار نیافته (NNFI) برازش تطبیقی (CFI) و برازش افزایش (IFI) نیز می‌بایستی بیشتر از ۰/۹۰ و در مورد شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) بیشتر از ۰/۸۰ باشند که در مدل تحقیق این شروط نیز رعایت شده است و میزان آن‌ها به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۹۳، ۰/۹۳، ۰/۹۰، ۰/۸۴ است و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مقادیر به دست آمده در شاخص‌های برازش مدل در کل ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها (تعداد ۳ بعد و ۹ مؤلفه و ۴۱ شاخص) مطابق با استانداردهای قابل قبول است و می‌توان با اطمینان اظهار نمود که مدل جامعه‌پذیری جنسیتی از برازش مناسبی برخوردار است و داده‌های تجربی، به خوبی با آن منطبق می‌باشند.

بر این اساس، می‌توان ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های ذکر شده را برای تدوین مدل جامعه‌پذیری جنسیتی به صورت شکل شماره ۱، ارائه داد.

جدول (۱۱) شاخص‌های برازش مدل

نام شاخص	مقدار شاخص محاسبه شده	سطح قابل قبول	نتیجه برازش
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۷۲	< ۰/۰۸	عالی
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (X^2 / df) (۳۳۷۸/۹۴ / ۱۵۲۲)	۲/۲۲	< ۵	عالی
نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۱	> ۰/۹۰	عالی
نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۴	> ۰/۸۰	عالی

برازش هنجار یافته (NFI)	۰/۹۳	>۰/۹۰	عالی
برازش هنجار نیافته (NNFI)	۰/۹۳	>۰/۹۰	عالی
برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۰	>۰/۹۰	عالی
برازش افزایش (IFI)	۰/۹۰	>۰/۹۰	عالی
ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)	۰/۰۳۸	<۰/۰۵	عالی



شکل (۱) ابعاد شناسایی شده، جهت جامعه‌پذیری جنسیتی (برگرفته از تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تأییدی)

نتیجه‌گیری

محققان در شناسایی جامعه‌پذیری جنسیتی از مفاهیم و مدل‌های مختلفی بهره می‌برند. هر یک از آن‌ها بر جنبه‌ای از جامعه‌پذیری تأکید دارند. پژوهش حاضر نیز به هدف شناسایی مدل جامعه‌پذیری جنسیتی، نظریات مرتبط با آن را بررسی نمود تا بتواند با در نظر گرفتن

تمامی ابعاد درونی (روابط قدرت در خانواده و ارزش‌ها جنسیتی فرد) و بیرونی (نابرابری جنسیتی) جامعه‌پذیری جنسیتی، نگاهی موشکافانه‌ای به این مفهوم داشته و آن را در یک جامعه آماری واقعی مورد آزمون قرار دهد. در این راستا، نتایج به‌دست آمده از تحلیل عامل اکتشافی و تحلیل عامل تأییدی، نشان داد، مفاهیم مطرح شده در تئوری‌های جامعه‌پذیری جنسیتی را می‌توان در قالب سه بعد اصلی «ارزش‌های جنسیتی خانوادگی» با مؤلفه‌های «خانواده، ازدواج، طلاق، فرزندآوری»، «نابرابری جنسیتی» با مؤلفه‌های «تقسیم کار اجتماعی، نابرابری فرهنگی، نابرابری فردی» و «روابط قدرت در خانواده» با مؤلفه‌های «تقسیم کار در منزل، تصمیم‌گیری در منزل»، مطرح کرد.

پژوهش حاضر، جامعه‌پذیری جنسیتی را در دو نوع سنتی و مدرن از هم تفکیک می‌کند. در این راستا، مدلی تحلیلی از تئوری‌های جامعه‌پذیری جنسیتی را بر اساس نگاه آن‌ها به منبع، حیطة و نتیجه تفکیک جنسیتی، طراحی نمود. بر این اساس افرادی که منبع و نتیجه نظام جنسیتی موجود (حیطه) و ابعاد سه‌گانه آن (ارزش‌های جنسیتی خانوادگی، نابرابری جنسیتی در عرصه‌های اجتماعی و روابط قدرت بین دو جنس در خانواده) را به عنوان سیستمی عام و جهانی، غیرشخصی، زیستی-طبیعی و ضرورتی کارکردی و تقریباً غیرقابل تغییر، درک و درونی کرده‌اند را در دسته کسانی جای می‌دهد که به صورت سنتی جامعه پذیر شده‌اند و کسانی که منبع و نتیجه نظام جنسیتی موجود (حیطه) را به عنوان سیستمی خاص، محلی یا جهانی (لزوماً جهانی نیست)، فرهنگی-ساختی، ضرورتی تاریخی و قابل تغییر بیندارند، در دسته افرادی جای می‌دهد که به صورت مدرن جامعه پذیر شده‌اند. با توجه به نتایج به‌دست آمده، این پژوهش به محققان آتی پیشنهاد می‌کند، این مدل را در سایر جامعه آماری نیز مورد آزمون قرار دهند.

یادداشت‌ها

1. S: Source (منبع), A: Area (حیطه), R: Result(نتیجه)
2. principal components
3. Confirmatory Factor Analysis

کتاب‌نامه

۱. اسحاقی، محمد (۱۳۹۱). «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر درخواست طلاق زنان در شهر تهران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۰. شماره ۳.
۲. امری، فاطمه (۱۳۸۶)، بررسی نقش خانواده در جامعه‌پذیری جنسیتی فرزندان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اجتماعی.
۳. بخشی پور، مریم؛ آقاجانی مرسا، حسین و کلدی، علیرضا (۱۳۹۶). «تبیین جامعه‌شناختی توزیع قدرت متقارن و نامتقارن در خانواده و تأثیرات آن بر سبک زندگی زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تهران)». مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۱۱-۲۳۴.
۴. حجازی، الهه؛ رضادوست، زهرا (۱۳۹۱). «بررسی اثر جنس و طرح‌واره‌های جنسیتی بر الگوی دوستی». فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱. صص ۵۷-۷۸.
۵. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۷۷.
۶. ساروخانی، باقر؛ محمودی، یسری (۱۳۸۷)، «بازتولید نابرابری جنسیتی در خانواده: مطالعه تطبیقی زنان شاغل و خانه‌دار شهر ایلام»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۷، صص ۴۷-۶۱.
۷. سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان. (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی جنسیت، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۸. فریدمن، جین (۱۳۸۱). فنسیم، مترجم، فیروزه مهاجر، انتشارات آشیان، تهران، ۱۳۸۱ صص ۱۴۳-۲۳.
۹. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات طرح نو.
۱۰. کوئن، بروس، (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، چاپ بیست و یکم.
۱۱. گرت، استفانی (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی جنسیت. ترجمه کتیون بقایی. تهران: نشر دیگر.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). پیامدهای مدرنیت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷. چاپ چهارم.
۱۳. مهدوی، محمدصادق؛ صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده». فصلنامه مطالعات زنان، سال اول، شماره دو، تابستان و پاییز ۱۳۸۲. صص ۲۷-۶۷.
۱۴. نبوی، سید عبدالحسین؛ احمدی، لیلا (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)». مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، صص ۵۹-۸۲.
۱۵. نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: نشر رایزن.